

## تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی\*

### The experience of happiness in enduring marriages: A qualitative study

Reza Khojasteh Mehr  
Shahid Chamran University of Ahvaz  
Rezgar Mohammadi  
Family Counseling

رضا خجسته مهر\*\*  
دانشگاه شهید چمران اهواز  
رزگار محمدی  
مشاوره خانواده

چکیده: تجربه خوشبختی در ازدواج منجر به رضایتمندی درونی زوجین می‌شود و محیط مساعدی برای رشد و سلامت فرزندان فراهم می‌کند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته زوجین متأهل از خوشبختی در ازدواج‌های پایدار بود. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. به این منظور ۱۴ زن و مرد متأهل که احساس خوشبختی می‌کردند از طریق مصاحبه عمیق و اکتشافی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد و در قالب مضمون‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۲۵۶ کد اولیه، ۲۱ مضمون فرعی و پنج مضمون اصلی احساس خوشبختی، عوامل معنوی و اخلاقی در خوشبختی، حضور دیگران، رفتارهای مولد خوشبختی و ازدواج سازنده شد. یافته‌ها نشان داد که خوشبختی در ازدواج داشتن معنایی از احساس آرامش و رضایت است که زوجین با دیدگاه معنوی و اخلاقی و با انجام رفتارهای مولد خوشبختی در حضور دیگران با ازدواج سازنده خود، آن را تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش حاضر روابط متقابل و چرخشی میان معانی و معیارهای ازدواج موفق و خوشبختی را نشان داد. این مطالعه مضامین مهمی برای روانشناسان و مشاوران خانواده دارد و همچنین الهام‌بخش زوجینی است که خواهان ارتقا روابط زوجی و خوشبختی خود هستند. *واژه‌های کلیدی:* ازدواج پایدار، پدیدارشناسی، تجربه خوشبختی در ازدواج، ازدواج موفق

*Abstract:* The experience of happiness in an enduring marriage causes internal satisfaction among couples. It also affects the well-being and development of their children. The present study was set up to investigate the lived experiences of couples who expressed satisfaction with their married life. Following a phenomenological approach, this study conducted in-depth and exploratory interviews among 14 married males and females who believed they had happy marriages. Data were collected, coded and organized in the form of themes and subthemes. 256 codes, 21 subthemes and 5 themes were identified through the content analysis of the data. The five main themes extracted were feeling of happiness, moral factors in happiness, presence of others, happiness raising behaviors and constructive marriage. The result revealed that happiness in marriage entails a feeling of comfort and satisfaction created by moral and ethical consideration observed by the couple, performed in the presence of others and accompanied by happiness raising behaviors. Mutual relationships between meanings and standards of happy marriages were also revealed.  
*Keywords:* enduring marriage, phenomenology, experience of happiness, successful marriage

\* بودجه این تحقیق (طرح پژوهشی ۱۰۷۲) از محل اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز تأمین شده است.  
\*\* نشانی پستی نویسنده مسوول: اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره. پست الکترونیکی: Khojasteh\_r@scu.ac.ir  
دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵  
Received: 22 Jun 2016 Accepted: 26 Oct 2016

## مقدمه

ازدواج<sup>۱</sup> یک نهاد اجتماعی است که در لوای آن یک مرد و زن از طریق تعهدی قانونی، مذهبی و اخلاقی تصمیم می‌گیرند به‌عنوان زن و شوهر باهم زندگی کنند. ازدواج نقش مهمی در عملکرد جامعه از طریق فراهم آوردن بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای آن دارد (دیکسون، ۲۰۱۳). ازدواج خوشبخت<sup>۲</sup> متشکل از عواملی مانند تعهد، احترام، صمیمیت، اعتماد و ... است که در غیاب آنها زندگی زناشویی با مشکلات جدی روبرو می‌شود (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲). شناسایی عواملی که در ساختار ازدواج‌های موفق و رضایتمند نقش دارند و موجب احساس خوشبختی در ازدواج می‌شوند می‌تواند منجر به کاهش آمار طلاق در جامعه شود و به زوجین در داشتن رابطه رضایت‌بخش و پایدار کمک کند (نیمتز، ۲۰۱۱). ازدواج و رابطه زناشویی مزیت‌های زیادی برای زوجین و فرزندان‌شان دارد، اما فروپاشی زندگی زناشویی با افزایش مشکلات روانی و کاهش سلامت جسمانی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه افراد درگیر (فرزندان، زنان و مردان) رابطه دارد (گاتمن، ۲۰۱۳). به همین دلیل در دهه‌های اخیر روانشناسان به کشف عوامل مؤثر در ازدواج‌های بلندمدت<sup>۳</sup> و خوشبخت توجه نشان داده‌اند (فینچام، استنلی و پیچ، ۲۰۰۷).

فینچام و همکاران (۲۰۰۷) این مسئله را مطرح کردند که می‌توان با تغییر در کانون توجه مطالعات از جنبه‌های منفی مشکلات مانند تعارض به سمت معانی و انگیزه‌های عمیق‌تر در روابط و ساخت‌های مثبت که شامل خوشبختی است به تقویت و بازسازی روابط کمک کرد و درک بهتری از روابط زوج‌ها به دست آورد. کابر و هاروف<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) به نقل از باچاند و کارون، (۲۰۰۱) با مطالعه الگوهای ارتباطی زوجینی که دارای ازدواج پایدار هستند مشخص ساختند ازدواج‌هایی که ماندگار و خوشبخت نیستند دارای دو نوع اصلی است: نوع اول ازدواج‌های ابزاری<sup>۵</sup> است که در آن، ازدواج به خاطر به دست آوردن سود و منفعت از فردی دیگر است. نوع دوم ازدواج‌های

غریزی<sup>۶</sup> است که در آن فرد به شخص دیگر، به‌عنوان یک فرد، متعهد شده است و به ازدواج به‌عنوان یک موجودیت جداگانه متعهد نشده است. لاور و لاور<sup>۷</sup> (۱۹۹۶)؛ به نقل از کرابی، خجسته مهر، سودانی واصلانی، (۱۳۹۵) هفت دلیل را برای ازدواج پایدار و خوشبخت عنوان کردند: دوست همدیگر بودن، علاقه به همسر به‌عنوان یک انسان، مقدس شمردن ازدواج، توافق بر سر اهداف و انتظارات، تعهد، بیشتر شدن علاقه به همدیگر در طول زمان و تمایل به موفقیت در زندگی و رابطه زناشویی. مرور مطالعات کمی<sup>۸</sup> در مورد ازدواج‌های بلندمدت به کلیدهای ازدواج پایدار همانند روابط صمیمی و عاطفی (بلاچ، هاس و لوینسون، ۲۰۱۴)؛ کارستنسن، گاتمن و لوینسون، (۲۰۱۳)، متعهد شدن به همسر و ازدواج (شریسا، ۲۰۱۴)؛ مک کری، (۲۰۱۵)؛ فینل، (۱۹۹۳)، حل تعارض (درایور و گاتمن، ۲۰۱۴) و دیگر عوامل منتهی شده است. محققان کیفی<sup>۹</sup> از داده‌های کمی برای توسعه توجه عمیق به طولانی بودن ازدواج استفاده می‌کنند. بررسی محققان کیفی از ازدواج‌های بلندمدت اغلب با مصاحبه<sup>۱۰</sup> از عوامل شناخته‌شده در تحقیقات کمی ساخته شده است. مرور این تلاش‌ها، متغیرهای خاصی را کشف کرده است که زوجین را در یک رابطه پایدار نگه می‌دارد این امر با پرسیدن سؤالات باز پاسخ از عوامل شناخته‌شده به دست می‌آید (آپلتون و بوهم، ۲۰۰۱)؛ بنابراین تحقیقات کمی ممکن است صمیمیت را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در ازدواج بلندمدت شناسایی کنند اما تحقیقات کیفی معنای صمیمیت را برای زوجین کشف می‌کنند (باچاند و کارون، ۲۰۰۱). در مطالعه کیفی لاور، لاور و کر (۱۹۹۰) کلیدهای مشخصه پایداری ازدواج را با رویکرد پدیدارشناسانه<sup>۱۱</sup> شامل صمیمیت، تعهد، ارتباطات، همگرایی و جهت‌گیری مذهبی مشخص کرده‌اند. در مطالعه کیفی نیمتز (۲۰۱۱) دو مضمون اصلی ازدواج پایدار نگرش‌های مشترک (تعهد، احترام و اخلاق) در مورد روابط زناشویی و کنش اشتراکی (تلاش و کوشش برای توسعه روابط زناشویی) بود. فاطمیما و اجمل (۲۰۱۲) در یک پژوهش کیفی با یک مشارکت‌کننده به ۱۶ طبقه برای عوامل ازدواج پایدار و

6. intrinsic marriage

7. Lauer, R., &amp; Lauer, J.

8. quantitative researches

9. qualitative researchers

10. interview

11. phenomenological approach

1. marriage

2. happy marriage

3. longterm marriage

4. Kaber, F., &amp; Harroff, E.

5. instrumental marriage

شخصیتی (شامل زیر طبقات اجتماعی بودن، مهربان بودن، صبور و باگذشت بودن، انعطاف‌پذیری، وجدانی بودن و متعهد بودن و اعتمادبه‌نفس)، ۳- عوامل خانوادگی (شامل زیر طبقات فرهنگ خانواده، شناخت کافی از خانواده همسر، تعهد فرد نسبت به خانواده)، ۴- عوامل اخلاقی و معنوی (شامل زیر طبقات صداقت، ایمان و تشابه مذهبی، احترام متقابل، اخلاق نیکو و مسئولیت‌پذیری)، ۵- عوامل فرهنگی - اجتماعی (شامل زیر طبقات وضعیت اقتصادی، آداب، رسوم و مذهب و ارزش‌ها و تحصیلات). پژوهش‌های گذشته بیشتر عوامل رضایتمندی و پایداری در ازدواج را بررسی کرده‌اند. شکاف تحقیقات گذشته فقدان اطلاعات عمیق در زمینه بررسی تجربه خوشبختی در ازدواج‌های بلندمدت و پایدار است. همچنین مطالعات گذشته که در این زمینه اشاره شد اکثراً به شکل کمی است و مطالعات کیفی در این زمینه نیز بیشتر به عوامل و زمینه‌های ازدواج بلندمدت و رضایتمند توجه کرده و تاکنون به بررسی معنای خوشبختی در ازدواج‌های پایدار نپرداخته‌اند. تنها مطالعه موجود در این زمینه مطالعه‌ای با یک مشارکت‌کننده بوده است که تنها طبقات خوشبختی ازدواج را مشخص کرده است. در این مطالعه پیشنهاد شده است که مطالعات کیفی دیگر با مشارکت‌کنندگان بیشتر و در فرهنگ‌های دیگر صورت گیرد (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲). از نظر پژوهشگران کیفی (کرسول، ۲۰۱۳؛ موستاکاس، ۲۰۱۰؛ وان مانن، ۲۰۱۶) مطالعه عمیق معنا و تجربه زیسته پدیده‌ها با روش‌های کیفی امکان‌پذیر است و روش‌های کمی نمی‌توانند به سؤالات معنا و تجربه پدیده‌ها پاسخ بگویند (بروم، ۲۰۱۱)؛ همچنین از میان روش‌های کیفی مناسب‌ترین روش برای بررسی معنا و تجربه پدیده‌ها روش پدیدارشناسی است (موستاکاس، ۲۰۱۰؛ وان مانن، ۲۰۱۶). از این رو پژوهش حاضر برای بررسی معنا و تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار روش پدیدارشناسی را برگزیده است.

از آنجاکه تعمیم نتایج یک پژوهش از یک بافت فرهنگی به بافت فرهنگی دیگر مشکل است و عوامل ازدواج موفق و خوشبخت نیز در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲)؛ همچنین با توجه به بافت نگرشی<sup>۱</sup> تحقیقات کیفی (کرسول، ۲۰۱۳) توجه پژوهشگران به ملاحظات فرهنگی در ساختار ازدواج ضرورت دارد. لذا این پژوهش با

خوشبخت دست یافتند که عبارت بودند از: تشابه در فرقه مذهبی، رضایت، سازش و مصالحه، عشق و توجه، اعتماد و درک، ارتباط، تفاوت سنی، صداقت و احترام، مشارکت و در میان گذاشتن، گذشت، خلق و خوی همسر، ماندن به خاطر فرزندان، ساختار خانواده، تحصیلات و طبقه و روابط مثبت با خانواده همسر. تحقیقات کیفی دیگر نیز به عواملی دیگر همانند نگرش‌های معنوی و اخلاقی (دیکسون، ۲۰۱۳)، تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری به ازدواج (کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶) در ازدواج‌های پایدار دست یافتند. در پژوهش‌های کیفی بالا تجربه و معنای خوشبختی در ازدواج پایدار بررسی نشده است.

بعضی از پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار و رضایتمند پرداخته‌اند. در پژوهش آسوده و همکاران (۲۰۱۱) مشخص شد که زوج‌های خوشبخت و موفق چهار ویژگی مهم دارند که شامل توانایی حل مشکلات خود، داشتن درک متقابل و مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، گذراندن اوقات فراغت همراه با خانواده خود و دوست داشتن و احترام به همدیگر است. کرایبی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی عواملی نظیر شیوه ارتباط، حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام، قدردانی از یکدیگر، ویژگی‌های شخصیتی، مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک، گذراندن وقت و تفریحات، همخوانی زوجین، انعطاف‌پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی را در ازدواج‌های پایدار رضایتمند مؤثر دانسته‌اند که در مجموع ۶۰ درصد از واریانس موفقیت در ازدواج را تبیین می‌کنند. نتایج پژوهش شکرکن و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های اجتماعی ۸۰ درصد شکست و موفقیت در ازدواج را تبیین می‌کنند. نتایج پژوهش کیفی حاتمی ورزنه، اسمعیلی و برجعلی (۱۳۹۵) نشان داد مقوله مرکزی ازدواج‌های پایدار و رضایتمند حرکت به سمت بالندگی ازدواج و متغیر علی آن مقوله شکل‌گیری درست ازدواج است. در پژوهش کیفی کریمی ثانی و همکاران (۱۳۹۱) عوامل ازدواج موفق شامل ۵ طبقه اصلی بود: ۱- عوامل ارتباطی (شامل زیر طبقات بعد اخلاقی ارتباط، تعامل منطقی، بعد عاطفی و بعد اعتمادی)، ۲- عوامل فردی و

داده‌ها را به اشباع رساند. استراتژی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه عمیق<sup>۶</sup> و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق بود. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۹۰-۶۰ دقیقه متغیر بود. زمان و مکان مصاحبه‌ها توسط خود شرکت‌کنندگان به دلخواه تعیین شد. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی و باز و با این مضمون که "چگونه ازدواج شما پایدار مانده است؟ و حس شما از این ازدواج چیست؟ و این تجربه خود را چگونه توصیف می‌کنید؟" شروع شد و در ادامه برای کشف عمیق پدیده از سؤالات پیگیرانه مانند "می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟" استفاده شد. مسائل اخلاقی رعایت شده در این پژوهش شامل: کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوای مصاحبه، اطمینان به محرمانه باقی ماندن اطلاعات و استفاده از اسم مستعار برای آنها و همچنین حق انصراف از پژوهش در تمامی مراحل تحقیق به مشارکت‌کنندگان بود.

روش اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمون<sup>۷</sup> بود. این روش برای توصیف و تفسیر تجربه شرکت‌کنندگان در مورد یک ازدواج خوشبخت و عوامل مرتبط با آن مورد استفاده قرار گرفت. در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی تحلیل مضمون از اهمیت زیادی برخوردار است؛ بدین صورت که اکثر محققان کیفی معتقدند که تحلیل مضمون روش بسیار مفیدی برای کسب ساختار معنا در مجموعه‌ای از داده‌ها است (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون علاوه بر کاربرد گسترده در دیگر روش‌های کیفی در پدیدارشناسی نیز کاربرد دارد که بر روی تجربه ذهنی انسان‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد تأکید بر ادراک شرکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آنها از موضوع مورد مطالعه است. مراحل تحلیل مضمون در این پژوهش شامل شش مرحله نزدیک شدن به داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، مرور و بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و تهیه گزارش است (مک کوئن و نامی، ۲۰۱۲).

استفاده از روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که "تجربه، معنا و ساختار خوشبختی در ازدواج پایدار در مردان و زنان ایرانی چیست؟".

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. تحقیق پدیدارشناسی پاسخ این سؤال را جستجو می‌کند که ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده توسط مردم چیست؟ (موستاکاس، ۲۰۱۰). تحقیق پدیدارشناسی به صورت ویژه مطالعه تجربه زیسته<sup>۱</sup> یا زیست جهان<sup>۲</sup> مردم است (وان مانن، ۲۰۱۶). مسئله اصلی در کاربرد پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده مورد نظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟ (خجسته مهر، دانیالی و شیرالی نیا، ۱۳۹۴). خوشبختی در ازدواج با تمام اهمیتی که دارد هنوز در پژوهش‌های گذشته به اندازه کافی روشن نشده است. از این رو در این پژوهش از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، نمونه ایرانی بوده‌اند که محل جغرافیایی زندگی آنها شمال استان خوزستان در طول سال‌های ۹۳-۱۳۹۲ بود. شرکت‌کنندگان در این مطالعه با به‌کارگیری مفهوم نمونه‌گیری هدفمند<sup>۳</sup> انتخاب شدند. استراتژی نمونه‌گیری هدفمند در تحقیق پدیدارشناسی نمونه‌گیری معیار<sup>۴</sup> است، این نوع نمونه‌گیری در مطالعه پدیدارشناسی ضروری است زیرا نیاز است که شرکت‌کنندگان تحقیق برای اینکه معیارهای ورود به پژوهش را داشته باشند، نماینده مردمی باشند که پدیده را تجربه کرده‌اند (موستاکاس، ۲۰۱۰). این معیارها در مطالعه اخیر عبارت بودند از: مشارکت‌کنندگان، ازدواج خویش را خوشبخت توصیف کنند؛ از زندگی زناشویی خویش خشنود و تمایل به در اختیار گذاشتن تجارب خود داشته باشند؛ حداقل ۱۵ سال از زمان ازدواج آنها سپری شده باشد؛ حداقل یک فرزند داشته باشند؛ تنها یک بار ازدواج کرده و به فهم ماهیت و معنای تجربه خویش علاقه‌مند باشند. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع<sup>۵</sup> داده‌ها استفاده شد. در مطالعه حاضر مصاحبه با ۱۴ شرکت‌کننده (۷ زن و ۷ مرد) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند

6. in-depth interweave  
7. thematic Analysis

1. lived experience  
2. life world  
3. purposive sampling  
4. criteria sampling  
5. saturation

متنوع بودند، مدت‌زمان زندگی مشترک شرکت‌کنندگان در دامنه ۳۵-۱۵ متغیر بود، شغل مردان متنوع و زنان غالباً خانه‌دار بودند، سن شرکت‌کنندگان در دامنه ۵۶-۳۲ و با میانگین سنی ۴۵/۴ و انحراف استاندارد سنی ۴/۶ و سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان در دامنه تحصیلات دیپلم و فوق‌لیسانس بود.

### یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۲۵۶ کد اولیه، ۲۱ مضمون فرعی و ۵ مضمون یا درون‌مایه اصلی شد که در جدول ۱ ارایه شده است.

جهت اعتمادپذیری<sup>۱</sup> داده‌ها در این پژوهش از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن<sup>۲</sup> (۱۹۹۴؛ به نقل از کرسول، ۲۰۱۳) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار<sup>۳</sup> داده‌ها پس از تحلیل مصاحبه، محتوای آن به مشارکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم نتایج تایید شود و تغییرات لازم اعمال شود. جهت تضمین قابلیت تصدیق<sup>۴</sup> داده‌ها محقق یک فرایند فعال در پرانتزگذاری<sup>۵</sup> را اعمال کرد تا از ورود پیش‌فرض‌های محقق جلوگیری شود. جهت تضمین قابلیت اطمینان<sup>۶</sup>، متن مصاحبه جهت کدگذاری به همکاران پژوهشگر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد در این زمینه به دست آمد. جهت افزایش قابلیت انتقال<sup>۷</sup> داده‌ها از حضور هر دو جنس استفاده و سعی شد که حتی‌الامکان از لحاظ سطح تحصیلات متفاوت باشند. همچنین شرکت‌کنندگان در تعداد فرزندان در دامنه ۴-۱

### جدول ۱

مضامین اصلی و فرعی آشکارشده از تحلیل داده‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
احساس خوشبختی	احساس آرامش، احساس رضایت، نتایج ازدواج، بدون مشکل نبودن ازدواج خوشبخت، احساس امنیت برای زنان
عوامل معنوی و اخلاقی احساس خوشبختی	احساس حضور خدا، توکل و اعتماد بر خداوند، گذشت، صبر
حضور دیگران	حضور فرزندان، حضور خانواده‌ها
رفتارهای مولد خوشبختی	تعهد زناشویی، صمیمیت عاطفی، مدیریت تعارض، روابط جنسی، همکاری، مشورت و همراهی، شادی، مسئولیت‌پذیری، قدردانی
ازدواج سازنده	هم‌کفو بودن

### احساس خوشبختی

خوشبختی نیز دارای دو مضمون فرعی احساس آرامش و احساس رضایت و سه مضمون فرعی دیگر بود که در این میان برای زوجین احساس آرامش در اولویت قرار داشت. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «خوشبختی وقتی است که احساس آرامش می‌کنی، زمانی که پیش شوهر و بچه هات احساس آرامش می‌کنی، مرد خوشبخت از خانه خود فرار نمی‌کند بلکه بعد از یک خستگی روزانه در خانه خود آرامش را دوباره کسب می‌کند». علاوه بر احساس آرامش در ازدواج، شرکت‌کنندگان خوشبخت از زندگی زناشویی و ازدواج خود احساس خشنودی و رضایت می‌کردند. اظهارنظر یکی از

مضمون اصلی استخراج‌شده در این پژوهش خوشبختی در معنای احساس بود که شامل مضامین فرعی: احساس آرامش، احساس رضایت، نتایج ازدواج، بدون مشکل نبودن ازدواج خوشبخت و احساس امنیت برای زنان بود. شرکت‌کنندگان پژوهش در پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، خوشبختی را یک احساسی از آرامش و خشنودی دانسته‌اند. آنها به جای این‌که خوشبختی را با تعلقات و داشته‌ها تفسیر کنند، خوشبختی را یک احساس از بودن تفسیر کرده‌اند که موجب آرامش و حس زیبایی در زندگی آنها می‌شود. احساس

1. truthworthines
2. Guba, E., & Lincoln, Y.
3. credibility
4. confirmability
5. bracketing
6. dependability
7. transferability

مشارکت‌کنندگان در این مورد این‌گونه بوده است: «الآن که به زندگی سی‌ساله‌ام نگاه می‌کنم احساس رضایت می‌کنم. هنگامی که ازدواج کردم ۱۸ سالم بود. در اوایل زندگی سختی زیادی کشیدم اما همیشه امیدوار بودم. اگر هزار بار دیگه به دنیا بیام دوباره با همسرم ازدواج می‌کنم، چراکه از زندگی راضی هستم». یکی از عواملی که موجب احساس خوشبختی ازدواج می‌شود دیدن نتیجه ازدواج است. این زوجین با دیدن نتایج مثبت ازدواج خویش احساس رضایت می‌کنند. این جمله اظهارنظر یکی از شرکت‌کنندگان پژوهش بود که عقیده داشت «یک زندگی خوشبخت برخلاف تصور عامه یک زندگی عاری از مشکل و بدون دغدغه نیست. خوشبختی این نیست که همه امکانات را داشته باشید» این مشارکت‌کننده این‌گونه ادامه داد «خوشبختی داشتن احساس آرامش است. جوان‌ها این‌گونه فکر نکنند که لازمه خوشبختی داشتن همه امکانات است. لازمه خوشبختی این است که دو نفر با همدیگر کنار بیایند. احساس خوشبختی بعد از سال‌ها زندگی مشخص می‌شود زمانی که تو به گذشته نگاه می‌کنی و به خودت می‌گویی خدا رو شکر ... زندگی خوشبخت زندگی بدون مشکل نیست». زنانی که در این پژوهش شرکت کرده بودند به صورت غیرمستقیم در مصاحبه‌هایشان مضمونی خاص را مطرح می‌کردند که نسبت به مردان این احساس را داشتند. زنان خوشبخت بهترین همسران را همسرانی می‌دانستند که در کنار آنها احساس امنیت کنند و به‌عنوان یک تکیه‌گاه امن به آنها تکیه کنند. این زنان در پژوهش با بیان جملاتی مانند «مرد باید از زنش حمایت کند، مرد باید مانند کوه باشد که به او تکیه کنی، بهترین مرد، مردی است که به او مطمئن هستی و در کنارش احساس آرامش می‌کنی، شوهر خوب تکیه‌گاه همسرش است و...» به بیان مضمونی پرداخته‌اند که احساس خوشبختی آنها ناشی از احساس امنیتی است که در کنار همسرانشان احساس خواهند کرد.

خوشبخت همیشه حضور خداوند را در زندگی خویش احساس کرده‌اند و گویی حضور خداوند به‌عنوان یک رأس مثلث دیگر در روابط زوجی آنها موجب پایداری زندگی زناشویی آنها شده است. آنها اظهار کردند که با توکل به خداوند، سختی‌های زندگی را پشت سر گذرانده‌اند. مهم‌ترین این عوامل اخلاقی صبر و گذشت است که موجب دوام زندگی زناشویی آنها شده است. هنگامی که به اظهارنظرها و گفته‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه دقت می‌شود آنها همواره در همه ابعاد زندگی خود از خداوند سخن می‌گویند و همواره او را به‌عنوان یک شاهد بیرونی بر روی اعمال خود نگریسته‌اند. این زوجین همواره با اظهارنظرهایی مانند: «خدا بزرگ است، اگر خدا بخواهد، خداوند شاهد است، خداوند ما را به صبر و گذشت در برابر همدیگر دعوت کرده است، ما همواره به خدا توکل کرده‌ایم، همواره حضور خداوند را در زندگی خودم احساس کرده‌ام» به تجربه خوشبختی خود اشاره کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان که آیات قرآن را در این زمینه بیان می‌کند می‌گوید: «خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ... وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ... بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید. ...افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل کنند». گذشت و بخشش به‌عنوان یکی از زمینه‌های اخلاق معنوی که موجب پایداری زندگی زناشویی ازدواج خوشبخت می‌شود مورد توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفته است. شرکت‌کنندگان در جملاتی مانند «بدون گذشت زندگی پایدار نمی‌ماند، انسان خطاکار است، خداوند خودش بخشنده است ما نیز باید ببخشیم، بخشنده‌گی زندگی را زیبا می‌کند، بخشنده‌گی باید از هر دو طرف باشد، اگر هرکدام از زوجین بر طبل خود بکوبند زندگی پایدار نمی‌ماند، هر بار باید یکی کوتاه بیاد، اگر یک‌بار من کوتاه پیام بار دیگه اونم کوتاه میاد و...» اعتقاد خود را به این زمینه به‌عنوان یک مضمون اصلی در خوشبختی ازدواج نشان داده‌اند. صبر نیز در زندگی زناشویی همسران خوشبخت دارای نتایج مثبتی بوده است. مهم‌ترین نتیجه صبر، پایدار ماندن زندگی آنها بود. شرکت‌کنندگان در هنگام مشکلات، صبر کرده‌اند و این صبر برای آنها میوه شیرینی بار آورده است که زوجین آن را در قالب فرزندان صالح، درک همدیگر و آرامش برای همدیگر توصیف کرده‌اند. در مصاحبه‌ها به صورت مستقیم از شرکت‌کنندگان پرسیده نمی‌شد که صبر یا گذشت در زندگی خوشبخت شما تأثیر دارد؟ بلکه شرکت‌کنندگان هنگام سخن

### عوامل معنوی و اخلاقی در احساس خوشبختی

تمام شرکت‌کنندگان این پژوهش از لحاظ جغرافیایی در محدوده جنوب کشور و در شمال استان خوزستان و همه زوجین مسلمان و پیرو مذهب شیعه بودند و همه آنها حضور خداوند و عوامل مذهبی را در داشتن احساس خوشبختی در زندگی زناشویی خود مؤثر دانسته‌اند. شرکت‌کنندگان

سال آخر عمرش مریض بود تا زمانی پیش ما بود همسر من از او مراقبت می‌کرد. خانواده من همیشه شوهرم را با شخصیت می‌دانند، شوهرم همیشه با احترام با خانواده‌ام برخورد می‌کند و خانواده من نیز همواره از همسر من و رفتار او راضی هستند».

### رفتارهای مولد خوشبختی

یکی دیگر از مضامین اصلی خوشبختی در ازدواج، رفتارهای مولد خوشبختی است که باعث شده شرکت‌کنندگان ازدواج خود را خوشبخت بسازند. این مضمون شامل ۹ مضمون فرعی بود. این رفتارهای سازنده به ترتیب شامل تعهد زناشویی، صمیمیت عاطفی، مدیریت تعارض، روابط جنسی، همکاری، مشورت و همراهی، شادی، مسئولیت‌پذیری و قدردانی است. تعهد، مهم‌ترین رفتاری است که شرکت‌کنندگان خوشبخت از همسرشان انتظار داشتند و معتقد بودند که تعهد موجب دوام زندگی زناشویی آنها شده است. هر کدام از آنها بعد از چندین سال زندگی مشترک به همدیگر متعهد باقی مانده‌اند و نسبت به هم وفادار مانده‌اند. یکی از شرکت‌کنندگان بعد از سه دهه زندگی مشترک در این زمینه می‌گوید: «برای همسر من بسیار مهم بوده است که من بهش وفادار بمانم. هنگامی که او این حس را داشت نسبت به من احساس محبت بیشتری می‌کرد من هم از او انتظار وفاداری داشتم». احساس صمیمیت زوجین و تعهد زوجین دو رفتاری هستند که همواره در جملات شرکت‌کنندگان خوشبخت به آن اشاره شده است. این دو رفتار با همدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ داشته‌اند. هنگامی که آنها از تعهد طرف مقابل به همدیگر مطمئن می‌شدند نسبت به هم احساس صمیمیت بیشتری می‌کردند و با صمیمیت بیشتر نیز احساس تعهد آنها نسبت به هم بیشتر شده است. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اظهار می‌کند: «هنگامی که من به همسر هدیه‌ای می‌دهم و بهش ابراز محبت می‌کنم او هم عشق مرا درک می‌کند و رفتارهای من نیز موجب محبت او می‌شود. من خودم خیلی دوست دارم که همسر من پیش دیگران نیز به من ابراز محبت کند. گاهی باهم تنهایی بیرون بریم. هنگامی که این رفتارها را از همسر من بینم او را بهترین همسر جهان می‌بینم». یکی دیگر از رفتارهای مثبت و سازنده‌ای که موجب شکل‌گیری ازدواج خوشبخت می‌شود مدیریت تعارض در زندگی زناشویی است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش نگذاشته‌اند که تعارض با

از تجاربشان به این واژه‌ها می‌رسیدند و بیشتر بر آن تأکید می‌کردند. به‌عنوان نمونه یکی از شرکت‌کنندگان در تبیین خوشبختی ازدواج خود می‌گوید: «صبر کردن شاید کلید دوام زندگی همسران باشد، من صبر کردم صبر... خیلی‌ها می‌گویند ما اگه بجای تو بودیم دوام نمی‌آوردیم، منم به آنها میگم شما صبور نیستید، یادمه همیشه مادرم نصیحت می‌کرد که رووله (فرزندم) صبور باش... حتی روز خواستگاریم هم به من این نصیحت را کرد».

### حضور دیگران

یکی دیگر از مضامین اصلی سازنده ازدواج خوشبخت حضور دیگران است که شامل دو مضمون فرعی حضور فرزندان و حضور خانواده‌ها است. تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش حداقل دارای یک فرزند بودند و همه آنها حضور فرزندان را در زندگی خود مهم می‌دانستند و یکی از موارد احساس خوشبختی خود را داشتن فرزند در زندگی به حساب می‌آوردند. آنها بچه‌ها را ثمره زندگی خود می‌دانستند و با حضور فرزندان احساس شایستگی و مثمر ثمر بودن می‌کردند. البته در این زمینه شرکت‌کنندگان نتیجه‌گرا بوده‌اند و بیشتر ملاک ارزیابی را تربیت صحیح فرزندان خود و موفقیت آنها در زندگی قلمداد می‌کردند. برای نمونه در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اظهار می‌کند: «ما شش تا فرزند داریم که همشان جدا شده‌اند و زندگی خودشان را دارند. همه آنها دارای زندگی خوبی هستند و خدا رو شکر همه آنها به پایه‌ای رسیده‌اند و برای خودشان کسی شده‌اند. من و خانم بسیار برای آنها زحمت کشیدیم». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «داشتن بچه، زندگی ما را هدفمند کرده است. من و شوهرم با تولد فرزندانمان تلاش کردیم تا آنها را به‌خوبی تربیت کنیم تا آنها نیز مثمر ثمر باشند، آنها ثمره زندگی ما هستند». یکی دیگر از معیارهایی که برای احساس خوشبختی در ازدواج مهم بود ارتباط با خانواده‌های همدیگر بود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش بر اهمیت ارتباط مناسب و احترام به خانواده‌های همدیگر تأکید داشتند. برای شرکت‌کنندگان مخصوصاً همسران احترام خانواده شوهر برای آنها دارای اهمیت بود. اهمیت خانواده‌ها در این پژوهش دارای یک نقش دوجانبه بود. در این ارتباط یکی از شرکت‌کنندگان اظهار می‌کند: «همسر من برای پدر و مادرم بسیار احترام قائل بود. مادر من چند

همواره تلاش‌های همسرانشان را برای ساختن زندگی‌شان می‌بینند. آنها چشم بر سختی‌ها و مشقت‌هایی که همسرانشان در زندگی مشترک کشیده‌اند نمی‌بندند، قردان هستند و احترام همدیگر را دارند. همسران خوشبخت در قالب رفتارهایی مانند هدیه دادن و تشکر کلامی این قردانی را نسبت به همدیگر ابراز داشته‌اند.

### ازدواج سازنده

آخرین مضمون که از مصاحبه مشارکت‌کنندگان استخراج شد ازدواج سازنده بود. این مضمون دربردارنده زیرمضمون کفویت در ازدواج است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، اولین گام در ساختن یک ازدواج خوب انتخاب درست همسر است. زوجین از انتخاب همسر خویش احساس رضایت کرده‌اند و اولین خشت زندگی را درست نهاده‌اند. در سؤالات پژوهش به صورت مستقیم از انتخاب همسر سؤال نشده است زیرا که سؤال اصلی پژوهش چیستی پدیده ازدواج خوشبخت بود، اما مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خود به اهمیت انتخاب درست همسر برای ساختن یک ازدواج خوب اشاره کردند. شرکت‌کنندگان مهم‌ترین ملاک را برای ازدواج خوب، ازدواج کردن با فردی می‌دانند که در طبقه و هم‌کفو (به توصیف یکی از شرکت‌کنندگان) خود باشند، بدین صورت که اگر آنها را در یک ترازو بگذاریم نسبت به هم سنگینی و سبکی بسیار زیادی نداشته باشند؛ به این دلیل که آنها در زندگی گذشته خود دارای تجربه مشابه بوده‌اند و شرایط همدیگر را به خوبی درک خواهند کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان نحوه انتخاب خود را این‌گونه بیان می‌کند: «برای من بسیار مهم بود که با کسی ازدواج کنم که هم‌ترازم باشد، منظورم این نیست که من خیلی خودم را می‌گیرم بالعکس من بچه یک کارگر بودم و برای من بسیار مهم بود که همسر هم مانند خودم تجربه سختی در زندگی را داشته باشد و دقیقاً کسی را انتخاب کردم که پدر او هم یک کارگر بود. خیلی وقت‌ها هنگامی که از تجارب مشابه هم حرف می‌زنیم همدیگر را دلداری می‌دهیم».

### بحث

سؤال اصلی این پژوهش عبارت بود از این که تجربه، معنا و ساختار خوشبختی در ازدواج پایدار مردان و زنان ایرانی چیست؟ برای پاسخگویی به این سؤال، مجموع مضامینی که

همسرانشان طولانی شود و به حل آن پرداخته‌اند. مشارکت‌کنندگان خوشبخت نیز روابط جنسی را بخش تفکیک‌ناپذیر زندگی می‌دانند و عقیده دارند لازمه احساس خوشبختی در ازدواج داشتن روابط جنسی رضایت‌بخش است، اما تمام خوشبختی در این رابطه وجود ندارد. یکی از محدودیت‌های مصاحبه با زوجین به دلیل شرایط فرهنگی در زمینه روابط جنسی، عدم افشاسازی صریح زوجین از این رابطه بود، مخصوصاً خانم‌هایی که در این پژوهش با آنها مصاحبه صورت گرفت؛ اما اشارات شرکت‌کنندگان به این رابطه نشان از اهمیت آن دارد. مانند: «مگر زندگی بدون این رابطه لذتی دارد. یکی از دلایل مهم ازدواج نه مهم‌ترین دلیل آن به دلیل تجربه این رابطه در پیمان مشروع ازدواج است». لازمه لذت از یک رابطه جنسی برای یک زن داشتن رابطه‌ای خوب با همسر است. مشارکت‌کننده‌ای بعد از سی سال ازدواج می‌گوید: «خوب من وقتی بیست سالم بود تواناییم زیاد بود (با خنده) اما الآن شاید مانند روزهای اول نیست اما صمیمیت بین ما هنوز پابرجاست». همسران برای احساس خوشبختی نیاز به تفریح و سرگرمی و شادی دارند. به وجود آوردن شادی در زندگی زناشویی شرکت‌کنندگان خوشبخت در این پژوهش به وسیله رفتارهایی از قبیل تفریحات و سرگرمی‌ها، برگزاری مراسم‌ها و مهمانی‌ها و شوخ‌طبعی و خوش خلقی بود. در ازدواج خوشبخت، شرکت‌کنندگان کوشیده‌اند به صورت تیمی عمل کنند و به وسیله یک ما (متشکل از زن و شوهر) مسائل زندگی خود را حل کنند. مثلاً در تعارضی که برای یکی از این شرکت‌کنندگان در مورد انتخاب محل زندگی به وجود آمده بود با همکاری با همسر و مشورت با او به انتخاب نهایی رسید. یا برای یکی دیگر از شرکت‌کنندگان که در تعارض میان بچه دار شدن و ادامه تحصیل گیرکرده بود توانست با همکاری شوهرش هر دو خواسته را عملی کند. مسئولیت‌پذیری، رفتاری است که از دیدگاه شرکت‌کنندگان خوشبخت از یک فرد مجرد یک زن یا مرد زندگی می‌سازد که می‌توان بر او تکیه کرد. این رفتار از دیدگاه زنان، برای شوهرانشان بسیار مهم دانسته شده و آن را جزء بهترین صفت‌های همسران می‌دانند. از دیدگاه زنان آنان مردان باعرضه هستند که سراغ یللی و تللی (اظهاری نظر یکی از زنان پژوهش) نمی‌روند و سرشان به زندگی خود گرم است و از دیدگاه مردان پژوهش زن مسئول، زن زندگی و پایبند به زندگی زناشویی خود است. شرکت‌کنندگان



داخلی و خارجی گذشته در ابعاد ازدواج خوشبخت قابل‌مقایسه است، بدین‌صورت که این عوامل در تحقیقات گذشته نیز تکرار شده است. برای نمونه رابینسون و بلانتون (۱۹۹۳) در مطالعه خود به عوامل صمیمیت، تعهد، روابط، همگرایی و جهت‌گیری مذهبی اشاره کرده‌اند. پژوهش حاضر، ضمن دربرگرفتن عوامل اشاره‌شده در تحقیق مذکور، عوامل دیگری که در این پژوهش به آن اشاره نشده است همانند حضور فرزندان و خانواده‌ها را بیان کرده است. درزمینه طبقات و مضمون‌های استخراج‌شده این پژوهش با تحقیقات گذشته نیز قابل‌مقایسه است. برای نمونه یکی از عوامل مهم در ازدواج‌های بلندمدت عامل تعهد در ازدواج است. نتیجه پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش‌های گذشته (شریسا؛ ۲۰۱۴؛ مک کری، ۲۰۱۵؛ شارلین، ۱۹۹۶؛ فینل، ۱۹۹۳) همسو است. محققان روابط مشخص ساخته‌اند که تعهد یک میل قوی برای ماندن در رابطه همراه با احساس دلبستگی و مبادرت به تداوم رابطه است (رازبالت و بانک، ۱۹۹۳؛ به نقل از حسین، ۲۰۰۷). تعهد افکار و اعمالی را برمی‌انگیزاند که از زوجیت حمایت می‌کند و موجب برانگیختن احساسات مثبت در زوجین همانند خوشبختی می‌شود (حسین، ۲۰۰۷). همچنین نتایج پژوهش حاضر درزمینه ماندن در ازدواج به خاطر فرزندان و نقش آنها در خوشبختی ازدواج با پژوهش‌های گذشته (کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶؛ فاطیما و اجمل، ۲۰۱۲؛ دیکسون، ۲۰۱۳) مبنی بر اینکه که تعهد فقط تعهد زوجی نیست بلکه تعهد به والد بودن و به فرزندان نیز است، قابل‌مقایسه است. در مورد صمیمیت و تأثیر زیاد آن در پایدار ماندن ازدواج، پژوهش حاضر با تحقیقات (بلاچ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کارستنسن و همکاران، ۲۰۱۳) همسو است.

در مورد اهمیت عوامل معنوی و مذهبی باید اشاره کرد که مذهب نقش مهمی در احساس خوشبختی در ازدواج دارد. اگر سیستم عقاید دو نفر بسیار متفاوت باشد موجب تعارض میان آنها می‌شود (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲). در تحقیق حاضر نیز همانند برخی تحقیقات گذشته (دیکسون، ۲۰۱۳؛ کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ لارسون و گولتز، ۱۹۹۸؛ ماهونی، پارگامنت، تاراکشوار و سوانگ، ۲۰۰۸؛ و ویلسون و موزیس، ۱۹۹۶) مشخص شد که معنویت و اعتقاد به حضور خداوند، توکل و امید به خداوند موجب احساس خوشبختی و رضایت و دوام

از مصاحبه‌ها استخراج شد شامل ۵ مضمون اصلی و ۲۱ مضمون فرعی بود. با استفاده از فن تخیل شهودی<sup>۱</sup> در پدیدارشناسی، ساختار ازدواج خوشبخت در مشارکت‌کنندگان پژوهش بدین‌صورت استخراج شد: با توجه به کیفی و پدیدارشناسی بودن پژوهش زیربنایی‌ترین بعد، معناهای ذهنی است که افراد برای پدیده‌ها قائل هستند. این معناها در ازدواج خوشبخت شامل معنای احساس خوشبختی بود که دارای دو مضمون اصلی، احساس آرامش و احساس رضایت بود که احساس آرامش دارای اهمیت بیشتری است. علاوه بر معنای احساس خوشبختی، مضمون‌های فرعی دیگری نیز که شامل نتایج ازدواج بدون مشکل، نبودن ازدواج خوشبخت و احساس امنیت در قالب یک تکیه‌گاه امن برای زنان در احساس خوشبختی ازدواج شناخته شد. این معناهایی که شرکت‌کنندگان برای ازدواج خوشبخت قائل بودند به‌عنوان زیربنایی‌ترین بعد، ابعاد دیگر ازدواج خوشبخت را می‌سازد. شرکت‌کنندگان با داشتن این معانی از خوشبختی، ازدواج با فردی را انتخاب کرده‌اند که با آنها از لحاظ خانوادگی، اعتقادی و... متناسب و هم‌کفو باشد و همچنین داشتن این معناها شرکت‌کنندگان را به سمت داشتن دیدگاه‌های معنوی و خصایص اخلاقی هدایت می‌کند که موجب پایداری ازدواج آنان می‌شود. عوامل معنوی و مذهبی، شامل احساس حضور خداوند در زندگی و توکل به او و دو خصیصه اخلاقی گذشت و صبوری بود. داشتن این معانی برای ازدواج، رفتارهایی را از شرکت‌کنندگان می‌سازد که مولد خوشبختی در ازدواج برای آنها است که شامل تعهد زناشویی، صمیمیت عاطفی، مدیریت تعارض، روابط جنسی، همکاری، مشورت و همراهی، شادی، مسئولیت‌پذیری و قدردانی است. همچنین این معانی در کنار فرزندان و خانواده‌ها احساس می‌شود؛ برای مثال داشتن معنای آرامش و رضایت از ازدواج در شکل‌گیری عوامل معنوی در ازدواج مهم هستند چراکه این عوامل مولد آرامش در زندگی هستند و داشتن معنای تحمل رنج و سختی در زندگی برای رسیدن به خوشبختی در شکل‌گیری خصایص اخلاقی گذشت و صبر مهم هستند و دیدن نتایج ازدواج، نقش خانواده‌ها و فرزندان را در ازدواج خوشبخت مهم می‌کند.

عواملی که در این پژوهش به‌عنوان مضمون‌های سازنده تجربه خوشبختی در ازدواج شناخته شد با نتایج تحقیقات

بیشتری در زندگی زناشویی می‌شود. دیکسون (۲۰۱۳) اشاره می‌کند این فرایند اثرگذاری از طریق باور به اعتقادات دینی در مورد مقدس شمردن ازدواج، عمل به سفارش‌های مذهب در مورد اهمیت روابط زناشویی و نقش تعدیل‌کننده عقاید معنوی برای آرامش زوجین است. ال قافلی، هاج و مارکس (۲۰۱۴) در پژوهش بر روی زوجین مسلمان اشاره می‌کنند که اسلام و مذهب دارای نقش ادراکی پررنگی برای زوجین مسلمان است، به‌گونه‌ای که آنها اسلام را به‌عنوان یک سبک زندگی و متحد‌کننده ازدواج خود می‌دانند و حتی زوجین مسلمان گاهی خداوند را به‌عنوان ضلع سوم زندگی خود ادراک کرده‌اند. روایی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی در بین زوجین مسلمان-ایرانی نشان دادند که الگوی اسلامی و مذهبی مبتنی بر فرهنگ موجب احساس رضایت و خشنودی این زوجین می‌شود.

در اکثر کشورهای غربی به اهمیت عامل روابط مؤثر در احساس خوشبختی زوجین اشاره شده است، اما ممکن است این عوامل از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲). به‌عنوان مثال پژوهش حاضر در زمینه مضمون احساس امنیت برای زنان با پژوهش نیمتز (۲۰۱۱) همخوان است اما در پژوهش حاضر این احساس امنیت در قالب یک تکیه‌گاه امن از شرکت‌کنندگان زن توصیف شده است که نشان از تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در این زمینه است. پژوهش اخیر در زمینه تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در ازدواج خوشبخت با پژوهش‌های کیفی داخلی (کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حاتمی ورزنه و همکاران، ۱۹۹۵) همسو است.

در نهایت در مقایسه با تحقیقات کیفی گذشته در زمینه خوشبختی در ازدواج می‌توان گفت پژوهش حاضر نتایج تحقیقات گذشته را در زمینه عوامل سازنده ازدواج خوشبخت تکرار کرده است؛ اما تحقیق حاضر مکمل تحقیقات گذشته است و به عوامل بیشتری در مقایسه با تحقیقات گذشته اشاره شده است. تحقیق حاضر به تبیین معانی ازدواج خوشبخت

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر از محیط جغرافیایی خاصی انتخاب شدند. از این نظر ممکن است از لحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌ها و نمونه‌های دیگر دارای محدودیت باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این مطالعه مضامین مهمی برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین دارد. ضرورت دارد مشاوران و روانشناسان بصیر حوزه خانواده به شیوه کاملاً علمی و متکی بر شواهد تجربی معتبر، در مشاوره‌های انتخاب همسر بر شباهت‌ها (کفویت) و در برنامه‌های مداخله‌ای خود در زمینه غنی‌سازی ازدواج و حل تعارضات زوجی بر رفتارهای مولد خوشبختی تأکید کنند. یافته‌های این پژوهش همچنین الهام‌بخش زوجینی است که خواهان ارتقا روابط زوجی و خوشبختی خود هستند. احساس خوشبختی مستلزم تلاش مشترک زوجین برای پیاده‌سازی عملی تعهد، صمیمیت عاطفی، مدیریت تعارض، روابط جنسی رضایتمندانه، همکاری، مشورت و همراهی، شادی، مسئولیت‌پذیری و قدردانی است.

## منابع

- حاتمی، و. الف، اسمعیلی، م.، و برجعلی، الف. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶، ۱۴۹-۱۲۰.
- خجسته‌مهر، ر.، دانیالی، ز.، و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک پژوهش کیفی. *روانشناسی خانواده*، ۲، ۵۰-۳۹.
- روایی، ف.، افروز، غ.، حسینیان، س.، خدایاری‌فرد، م.، و فرزاد، و. ا. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه روان‌شناختی خانواده‌محور مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی بر رضایت زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۳، ۳۰-۱۷.
- شکرکن، ح.، خجسته‌مهر، ر.، عطاری، ی.، حقیقی، ج.، و شهنی،
- بیلاق، م. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱، ۳۰-۱.
- کرایبی، ا.، خجسته‌مهر، ر.، سودانی، م.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶، ۱۶۴-۱۲۹.
- کریمی ثانی، پ.، احیایی، ک.، اسمعیلی، م.، و فلسفی نژاد، م. ر. (۱۳۹۱). عوامل تعیین‌کننده موفقیت در ازدواج: پژوهشی کیفی. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۴۵، ۹۳-۷۵.

## References

- Alghafli, Z., Hatch, T., & Marks, L. (2014). Religion and relationships in muslim families: A qualitative examination of devout married muslim couples. *Religions*, 5, 833-814.
- Appleton, C., & Bohm, E. (2001). Partners in passage: The experience of marriage in mid-life. *Journal of Phenomenological Psychology*, 32, 41-70.
- Asoodeh, M. H., Daneshpour, M., Khalili, S., Lavasani, M. G., Shabani, M. A., & Dadras, I. (2011). Iranian successful family functioning and Communication. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 367-371.
- Bachand, L. L., & Caron, S. L. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23, 105-121.
- Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*, 14, 130-145.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Broome, R. E. (2011). *Descriptive phenomenological psychological method: An example of a methodology section from doctoral dissertation*. San Francisco, California: Saybrook University.
- Carstensen, L. L., Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2013). Emotional behavior in long-term marriage. *Psychology and Aging*, 1, 140-152.
- Creswell, J. W. (2013). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. London: Sage publications.
- Dixon, D. C. (2013). *Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages*. A doctoral dissertation in counseling. Liberty University.
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2014). Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Family Process*, 43, 301-314.
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. (2012). Happy Marriage: A qualitative study. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9, 37-49.
- Fenell, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 12, 32-43.
- Fincham, F. D., Stanley, S. M., & Beach, S. R. (2007). Transformative processes in marriage: An analysis of emerging trends. *Journal of Marriage and Family*, 69, 275-292.
- Gottman, J. M. (2013). *Marital interaction: Experimental investigations*: Elsevier
- Hussain, R. T. (2007). *A study of sacrifice in marital relationships*. A doctoral dissertation in counseling. University of Karachi, Karachi.
- Kaslow, F., & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of

- contributing factors. *American Journal of Family Therapy*, 24, 153-170.
- Larson, L. E., & Goltz, J. W. (1998). Religious participation and marital commitment. *Review of Religious Research*, 16, 387-400.
- Lauer, R. H., Lauer, J. C., & Kerr, S. T. (1990). The long-term marriage: Perceptions of stability and satisfaction. *The International Journal of Aging and Human Development*, 31, 189-195.
- MacQueen, K., & Namey, E. (2012). *Applied thematic analysis*. London: SAGE Publications, Inc.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2008). Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of Family Psychology*, 15, 559-567.
- McCray, M. L. (2015). *Infidelity, trust, commitment, and marital satisfaction among military wives during husbands' deployment*. A doctoral dissertation in psychology. University of Walden.
- Moustakas, C. (2010). *Phenomenological research methods*. London: Sage Publications.
- Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study*. A doctoral dissertation in psychology. Liberty University.
- Robinson, L. C., & Blanton, P. W. (1993). Marital strengths in enduring marriages. *Family Relations*, 17, 38-45.
- Sharlin, S. A. (1996). Long-term successful marriages in Israel. *Contemporary Family Therapy*, 18, 225-242.
- Shirisia, L. K. (2014). *Strong marriages in the African American community: How religion contributes to a healthier marriage*. M.A. dissertation in family, consumer, and human development. Utah State University.
- Van Manen, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. Kentucky: Routledge Press.
- Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (1999). The influence of marital duration on the use of relationship maintenance behaviors. *Communication reports*, 12, 59-70.
- Wilson, J., & Musick, M. (1996). Religion and marital dependency. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32, 30-40.